

حکمتیست ۱۰۸

۱۱ آوریل ۲۰۱۶ - ۲۴ فروردین ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

گرامی باد اول ماه مه؛ روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی و بین المللی طبقه کارگر، روز جشن کارگران، روز اعلام همسرنوشتی طبقه کارگر و روز اعلام کیفرخواست طبقاتی ما علیه سرمایه داری در سراسر جهان است. اول ماه روز ملی کسی نیست، روز مذهب و کلیسا و مسجد و کنیسه و معبد طرفداران هیچ مذهبی نیست، روز اتحاد ملیتها، "خلقها" و روز کمپین های طرفداری از این یا آن جناح بورژوازی در هیچ کجای دنیا نیست. روز طبقه کارگر در تمایز با همه طبقات و جنبشهای دیگر است. در این روز کارگران در سراسر جهان بر هویت و منافع متمایز خود از همه اقشار و طبقات دیگر و به عنوان یک طبقه واحد جهانی انگشت میگذارند، و خودآگاهی صفوف خود را بالا میبرند.

اول ماه روز اعلام اعتراض کارگر، به گستاخی و عنان گسیختگی سرمایه، و روز اعلام "نه" محکم این طبقه به این بردگی مزدی و مدرن قرن بیست و یکم است. این روز، روز دفاع قدرتمند از مساوات طلبی سوسیالیستی کارگری، و روز اعلام نشانده ... ←

فرار مالیاتی میشوند. این در حالی است که درآمد ناخالص انگلیس در سال گذشته، سال رشد اقتصادی، ۳ تریلیون دلار بود. فساد و سوءاستفاده مالی سران دول نه فقط عربستان و ایران و کره و آرژانتین و روسیه که دزدی آشکار و "قانونی" رئیس جمهورها و نمایندگان پارلمان ها در دول غربی، پولدارها و سوپرپولدارها و celebrities در چهار گوشه جهان کشف تازه ای نیست. کسی از این درجه از فساد در انگل ترین بخش جامعه تعجب نکرد. عناوینی چون "به دنیای فاسد کاپیتالیسم خوش آمدید"، رایج ترین عناوین در شبکه های اجتماعی است.

کسی از میزان بالای پولشویی روسای دولتهایی که سالها است ریاضت اقتصادی را به آنها تحمیل کرده اند، شوکه نشد. ... صفحه ۴



به کثافت دنیای سرمایه خوش آمدید! در حاشیه اسناد پاناما و "ژورنالیسم متعهد"

آذر مدرسی

اسناد پاناما تازه بخش کوچکی از کل دزدی و سوءاستفاده مالی روسای دولتها، وکلای مجلس و خانواده های سطلنتی را از عربستان تا بریتانیا را نشان میدهد. اسناد پاناما نوک کوه عظیم سوءاستفاده مالی و دزدی انگلها در جهان کاپیتالیستی امروز است.

به گزارش "شبکه عدالت مالیاتی" قبل از این افشاکاری و در سال ۲۰۱۲ مبلغی بین ۲۱ تا ۳۲ تریلیون دلار ثروت مخفی سوپر ثروتمندان دنیا است که مشمول

یک هفته از افشا اسناد پاناما میگذرد. اسناد پاناما و علنی شدن پرونده پولشویی، فرار مالیاتی و سوء استفاده مالی ۱۴ هزار نفر از روسای دولتی، اعضا پارلمانها و کله گنده های حاکم در دنیای ما در کنار قاچاقچیان و جنایتکاران بین المللی، فقط در یکی از کمپانی های مالی در پاناما، بزرگترین پرونده های افشاگرانه تاریخ، نام گرفته است. طبق این اسناد ۱۴۰ نفر از روسای فعلی و قبلی دولتی در ۷۲ کشور دنیا مشتریان محترم این کمپانی اند.

از حزب حکمتیست می پرسند!

"فدرالیسم دموکراتیک" در غرب و شمال سوریه



مقدمه: حزب حکمتیست، سیاست ها و اقداماتش مورد سوال قرار میگیرد و تعدادی در این موارد اظهار نظر میکنند و یا انتقاداتی مطرح میکنند. تحت عنوان "از حزب حکمتیست می پرسند"، نشریه حکمتیست در هر شماره یک یا چند مورد از این سواها را انتخاب میکند و با توجه به مضمون و محتوا، آنها را با مسئولین و کادرهای حزب در تشکیلات های مختلف در میان میگذارد و پاسخ های آنها را منتشر میکند. در این شماره یکی از این سواها را با خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب، در میان گذاشته ایم. این مصاحبه را میخوانید.

سوال: اخیرا "مجلس موسسان اتحاد فدرال دموکراتیک روزآوا- شمال سوریه" پس از یک نشست دو روزه در شهر "رمیلان" از کانتون جزیره طی بیانیه ای برقراری "فدرالیسم دموکراتیک" در کانتونهای غرب و شمال سوریه اعلام کرد. دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی از ایران و ترکیه و سوریه تا امریکا و دول اروپایی علیه این تصمیم موضع گرفتند و آنرا اقدامی علیه یکپارچگی سوریه و امنیت در منطقه اعلام کرده اند. علاوه بر این احزاب ونیروهای سیاسی راست و چپ در ایران و منطقه در توافق با این بیانیه با این سیاست از زاویه "دفاع از حقوق کردها و اقلیتهای قومی در سوریه" یا در مخالفت با این بیانیه و تصمیم از زاویه "دامن زدن به نفاق قومی و یوگوسلاویزه کردن سوریه" اعلام موضع کرده اند. حزب حکمتیست (خط رسمی) موضع ویژه و یونیک دارد. حزب حکمتیست اعلام این تصمیم را تلاشی برای بیرون آوردن حداقل بخشی از سوریه از بلاتکلیفی سیاسی اعلام کرده و ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

گرامی باد اهل ماه مه ...

اعلام میکنند نظام سرمایه داری نظام حاکمیت اقلیتی مفت خور برگرده اکثریت انسان های شریف جامعه، برگرده طبقه کارگر است و باید برانداخت و جامعه ای نوین پایه گذاری کرد. جامعه نوینی که در آن استثمار کارگران توسط سرمایه داران بر افتاده است. نظامی که انسان کالا نیست و تولید در خدمت جامعه و برای نیاز جامعه است نه برای کسب سود سرمایه داران. نظامی که مبنایش بر انسان استوار است. انسانی که مالک محصولات تولیدی خود است. نظامی که در آن تبعیض و ستم و استثمار و فقر و تقسیم انسان به زن و مرد و این و آن "قوم" و "ملت" و مذهب و ... جرم است. نظامی آزاد و برابر، نظامی فاقد فقر و فحشا و دروغ و ریاکاری و استبداد و سرکوب.

امروز بورژوازی در سراسر جهان علیه ما و منافع مشترک ما با تراشیدن هویت های کاذب و باد زدن تعصبات کور مذهبی، ناسیونالیستی، قومی و ارتجاعی، با راه انداختن جنگ های صلیبی میکوشند ما را در مقابل هم قرار دهند. تلاش میکنند با اتکا به میدیای فاسد و نوکر خود، با اتکا به کل دستگا تحمیق خود، ما را به نام کارگر چینی، بنگلادشی، لهستانی، سوریه ای، ترکیه ای، ایرانی، افغانی، روسی و یا آمریکایی، برزیلی، فرانسوی، آلمانی و... چون نیروهای متقابل و متخاصم در مقابل هم قرار دهند. با گنبدگی هرچه بیشتر نظامشان بیش از همیشه و با همه امکانات خود به جنگ با اتحاد طبقاتی ما آمده اند.

اول ماه روز نه بزرگ ما به این تقسیم بندی های کاذب است. اول ماه روز ما است تا اعلام کنیم بس است! فقر و فلاکت بس است! بی حقوقی و بی حرمتی بس است! جنگ، نا امنی، ریاضت اقتصادی بس است! جهنم چند صد ساله نظام کار مزدی حاکم، بس است و دیگر قبول نمی کنیم! روزی است که اعلام کنیم ما کارگران وطن نداریم، ملیت، طوق بردگی ما است و آزادی و رفاه حق طبقه ما در همه دنیا است.

روزی است که ما کارگران در ایران، در کنار هم طبقه هایمان، یکبار دیگر اعلام می داریم که سرنوشت همه ما به هم تنیده شده و یکی است، ما گردانی از طبقه کارگر جهانی هستیم.

ما در این روز اعلام میکنیم که نیاز سرمایه داران ایرانی و منفعت آنها، تماما در تقابل با نیاز و منفعت طبقه ما است. در اول ماه و در همه جشنهای و مراسمها و تجمعات کارگری و همراه خانواده هایمان، بر اتحاد طبقاتی خود در مقابل بورژوازی و همراه با طبقه کارگر در سراسر جهان، بر همسرنوشتی و همبستگی جهانی خود تاکید میکنیم.

امروز دولت روحانی همراه رسانه های خود و صفی از روشنفکران بورژوا به اسم روزنامه نگار و محقق و اقتصاد دان راه افتاده اند تا طبقه کارگر را در انتظار بهبود رابطه با غرب و جلب سرمایه خارجی و رشد اقتصادی در انتظار نگه دارند. دولت روحانی در لباس "قهرمان" بورژوازی ایران، توافق با امریکا را به نام پیروزی ما در جدال "هسته ای" با غرب، رو به طبقه ما اعلام میکنند و بر سر ما منت میگذارند، توافقی که یک سر سوزن به بهبود زندگی ما و منافع ما مربوط نیست. دیروز به نام جنگ و جدال با غرب به زندگی ما تعرض میکردند و امروز به نام توافق با غرب و فرصت خواستن برای به نتیجه رساندن کامل توافقاتشان و فردا به نام فرصت خواستن برای جلب سرمایه و رشد اقتصاد ایران، ما را پشت در سالن انتظار رفاه و بهبود نگه میدارند.

طبقه کارگر ایران، یکی از گردانهای قدرتمند طبقه کارگر جهانی است و تا کنون مبارزات گسترده ای را در دفاع از زندگی خود در مقابل تعرض بورژوازی و دولتش پیش برده است. همه نسبت به ابعاد قدرت پرولتاریای ایران آگاهند. اگر پرولتاریای صنعتی ایران تکانی بخورد، اگر اعلام کیفرخواست خود علیه بردگی خود را اعلام کند، همه سرها به طرف طبقه کارگر به عنوان رهبر سرسخت انقلاب کارگری ایران، برمیگردد و امیدها زنده میشود!

کارگران کمونیست!

مهمترین عامل ادامه حاکمیت بورژوازی در ایران، تفرقه و پراکندگی صفوف ماست. اختناق سیاسی، اشاعه افکار مذهبی، ناسیونالیستی، دامن زدن به نفاق قومی، ملی، جنسی و... همگی ابزار حفظ و ادامه انشقاق در صفوف ما است. پیشروی طبقه کارگر، حتی در مبارزات روزانه و برای ابتدائی ترین مطالباتش، مستقیما با میزان خودآگاهی و میزان کاستن از تفرقه در صفوف این طبقه است که اندازه گرفته میشود.

میزان اتحاد کمونیستهای طبقه کارگر، رشد و تحزب یافتگی محافل کمونیستی کارگری، تبدیل کمونیستهای طبقه کارگر به محمل اتحاد توده هر چه بیشتر این طبقه، سازمان دادن مجامع عمومی کارگری به عنوان مناسبترین شکل دخالت مستقیم توده کارگر در سرنوشت خود و در دل مبارزات جاری، بالا بردن خودآگاهی کارگران و تقویت رفاقت کارگری، حلقه های اصلی برای عروج طبقه ما به مثابه یک طبقه واحد و سراسری و متحد است.

اول ماه مه روز جشن و همبستگی طبقاتی ما از میادین شهرها تا کارخانه، از محلات کارگری تا هر جمع و محفل خانوادگی است. تلاش ما برای برگزاری هرچه باشکوهتر این روز، دخالت جدی ما در کل مباحثات این دوره در میان کارگران و تبدیل فعالین کمونیست طبقه کارگر به ستون اصلی اتحاد کارگری از جمله در این روز، ایزوله کردن خانه کارگر و مجیز گویان دولت روحانی که در تلاشند توده کارگران را به نام مراسم کارگری به مراسم های دولتی بکشانند، همگی در گرو دخالت متحدانه و با برنامه کارگران کمونیست است.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۱۲ آوریل ۲۰۱۶ - ۲۵ فروردین ۱۳۹۵

از حکمتیست میپرسند ...

ادامه از صفحه ۳



نوع آن بی قید و شرط دفاع میکنند در حقیقت نوع آلترناتیو حکومتی مورد قبول خود و هم جنبشی بودن خود را به نمایش میگذارند.

طیف دیگری که از سر کلمه فدرالیسم و اینکه اسم فدرالیسم را بر نوع حاکمیت تا کنونی خود گذاشته اند مخالف آند، اساسا از زاویه ایدئولوژیک به قضیه نگاه میکنند.

آنچه در دوره ای معین در ایران و یا عراق توسط ناسیونالیستهای کرد به عنوان فدرالیسم قومی و تقسیم جامعه بر اساس قومیت بیان میشد و بدرست توسط جریان ما فدرالیسم قومی و یوگسلاویزه کردن جامعه و راه انداختن جنگهای صلیبی نام گرفت، به این معنا نیست که هر نوع اسم فدرالیسمی در هر کجای دنیا و با هر مضمونی همین است. مخالفت ما با فدرالیسم قومی که جامعه را بر اساس هویت های کاذب قومی و ملی از هم جدا میکند، است نه هر نوع حکومت فدرالی. کما اینکه در بخشی از کشورهای غربی حاکمیت های بورژوایی در چهارچوب فدراتیو پیش میروند بدون اینکه شهروندان جامعه را بر اساس هویت های کاذب قومی و یا مذهبی دسته بندی کرده باشند و یا جامعه را بر اساس این هویتها و با سیستم فدرالیسم میان خود تقسیم کرده باشند. تا جایی که به سوریه برگردد، آنها مدعی اند که مبنای کارشان قومی نیست و اعلام کرده اند که فدرالیسم قومی را نمیپذیرند. اینکه در آینده و در دل سوریه به خاک و خون کشیده و در خاورمیانه ای که نفرت قومی و مذهبی و قومیت و ملیت و تقسیم آنها بر این اساس را باد میزنند، احزاب ناسیونالیست کرد سوریه چقدر پایبند تعهد خود خواهند بود، بحث ثالثی است. دقیقا به این دلیل ما اعلام کردیم برای ممانعت از اینکه این حکومت هویت قومی و ملی نگیرد، دستمایه معاملات سیاسی دیگر نشود باید به حاکمیت شوراه و دخالت مستقیم مردم در سیاست و سرنوشت خود و در میبلیس توده ای متکی شود. این امر شرایط را برای مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم و برای مقابله با هر نوع حاکمیت قومی، مذهبی و ارتجاعی در آینده را تسهیل میکند.

از حزب حکمتیست می پرسند...

همزمان اعلام کرده که "اعمال حاکمیت شورایی و سازمان‌دادن ملیس توده ای، تنها راه تضمین شده و متمدنانه ای است که می‌تواند زندگی انسانی و امنیت شهروندان این منطقه از حمله داعش و دولتهای مرتجع منطقه به بهترین شیوه مقدور تامین کند." و تلویحا حمایت از این تصمیم را منوط به تضمین این مولفه ها دانسته است.

چرا این موضع؟ اگر این تصمیم بیرون آوردن جامعه از بلاتکلیفی سیاسی است چرا بی قید و شرط از آن دفاع نمیکنید؟ علاوه بر این آیا فدرال شدن سیستم حکومتی در سوریه یا در هر کشوری منشا سناریوی سیاه یا یوگوسلاویزه و عراقیزه شدن سوریه نمیشود؟

خالد حاج محمدی: به نظر من هم

موضع ما ویژه است اما تناقضی در آن نیست. ما وارد این سنت چپ که یا باید حمایت کرد یا محکوم، نشدیم. بیرون آمدن جامعه از بلاتکلیفی یک مسئله است و نوع اداره آن یک مسئله دیگر. تأیید اولی به معنای قبول دومی و نوع حاکمیت نیست. اجازه بدهید چند نکته را در این زمینه اشاره کنم.

اتفاقی که افتاده این است بخشی از مناطق کردنشین و شمال سوریه در دل جنگی که به مردم این کشور تحمیل شد، در دل یک سناریوی سیاه و عروج انواع دارو دسته های قومی، مذهبی و جنایتکار با امکانات وسیع مالی و تسلیحاتی که در اختیارشان گذاشته بودند، در امان نگاه داشته شد. نیروهای دخیل در این منطقه و از جمله حزب اتحاد دموکراتیک از همان اوایل و در توافق اعلام نشده با دولت سوریه، دفاکتو کنترل این منطقه را در دست داشتند و عملاً حاکم بودند. امروز به این حاکمیت مستقل از اهداف و انگیزه نیروهای دخیل رسمیت داده اند و آن را "فدارالیسم دموکراتیک" نام گذاشته اند. در بیانیه خود اشاره کرده اند که این حاکمیت مبنای قومی ندارد و حتی اسم "کرد" یا کردستان را به آن نچسبانده اند و گفته اند شامل حال کل ساکنین و... این منطقه است. اینکه سرانجام این حاکمیت به کجا کشیده خواهد شد، چهارچوب و قوانین آن چه خواهد بود و در توازن قوای کنونی و

با مخالفت‌های دولتهای منطقه، تا چه حد آنرا عملی و دنبال خواهند کرد و به کجا کشیده میشود هنوز ناروشن است.

ما گفته ایم این منطقه نمیتواند در بلاتکلیفی بسر ببرد. بالاخره باید این بخش از جامعه سوریه زندگی عادی، کار و فعالیت اجتماعی در آن جاری شود. اداره این سه کانتون و هر جای دیگری احتیاج به نوعی از حاکمیت دارد، احتیاج به اداره امور خود و رسمیت دادن به آن دارد. زندگی مدنی در این بخش باید تامین شود تا جامعه و زندگی اجتماعی در آن ممکن باشد. اینجا که اردوگاه آوارگان نیست، یک منطقه است با همه خصوصیات زندگی شهری و اجتماعی. بحث ما ضرورت تامین زندگی عادی و اجتماعی در این بخش است مستقل از اینکه چه نیرویی حاکم است و چه نیرویی دست بالا را دارد. ما از نفس بیرون آمدن این بخش از بلاتکلیفی و جاری شدن زندگی اجتماعی و... دفاع میکنیم.

این حق مردم مناطق آزاد شده و نیروهای سیاسی آن است که اداره امور خود را بدست بگیرند. برسمیت شناختن این حق از جانب ما به معنای دفاع از نوع حاکمیت و نوع استفاده آنها از این حق نیست. ما از حق مردم فلسطین برای تشکیل دولت مستقل دفاع میکنیم اما این به معنای آن نیست که فردا از هر دولتی در فلسطین دفاع کنیم و مثلاً در فردای تشکیل این دولت در کنار محمود عباس و حماس بایستیم. ما حق جدایی و تشکیل دولت مستقل در کشورهایی که مسئله کرد در آن مطرح است از جمله ایران، عراق و ترکیه را برسمیت میشناسیم. گفته ایم تصمیم در مورد جدایی و تشکیل دولت مستقل یا ماندن در چهارچوب کشور مربوطه و حق شهروندی برابر، باید با رای مستقیم مردم مناطق کردنشین باشد. اما این به معنای آن نیست فردا و در صورت تشکیل یک دولت مستقل و اعلام استقلال کردستان در یکی از این بخشها، از خود دولت هم دفاع کنیم. چه بسا فردا و با فرض چنین اتفاقی طبقه کارگر و اکثریت شهروندان در کردستان مستقل زندگی به مراتب بدتر و با حاکمیت به مراتب ضدکارگری و ضدانسانی تری روبرو باشند. خواست تشکیل دولت مستقل فلسطین و رفراندم برای جدایی یا حق شهروندی برابر برای مردم در کردستان ایران نه از سر علاقه

ما به تشکیل دولتهای مستقل و ملی که از سر پایان دادن به تفرقه قومی و سوءاستفاده بورژوازی از این ستم است. در مورد حاکمیت اعلام شده در شمال سوریه همانطور که گفتم دفاع از تلاش برای بیرون آوردن جامعه از بلاتکلیفی است. نمیتوان از قبل چک سفیدی را به کسی و جریانی و نوع حاکمیتی داد. اینکه چه حاکمیتی اعمال میشود بستگی به فاکتورهای دیگری از جمله نیروهای دخیل در این منطقه و ماهیت آنها و توازن قوا دارد. یک حزب کمونیستی زمانی از یک حاکمیت و قوانین آن دفاع میکند که فکر کند در این حاکمیت منافع اکثریت مردم این منطقه تامین میشود و طبقه کارگر این منطقه در موقعیت بهتری قرار خواهد گرفت و شرایط مبارزه و زندگی آن بهبود خواهد یافت.

امروز در سوریه ویران شده که بر تعصبات کور قومی و مذهبی و ارتجاعی دمیده اند اولین شرط نگاه حتی مثبت به هر نوع حاکمیتی این است که مذهب و قومی‌گرایی را مبنای زندگی مشترک برای هیچ احدی نگذارند. تأکید ما بر خاورمیانه غیر قومی و غیر مذهبی، بر سکولاریسم و حق شهروندی برای کل مردم این منطقه بدون تراشیدن شناسنامه قومی و مذهبی و تقسیم انسانها بر این اساس از سر همین مسئله است. ما فکر میکنیم نوع حاکمیتی که در این بخش میتواند تضمین کننده حقوق اولیه مردم و تامین دخالت مستقیم آنها در سرنوشت جامعه باشد حاکمیت شورایی است. نه حکومت پارلمانی و دموکراسی های لیبرالی و نه اعمال اشکال دیگر از خودگردانی و یا فدرالی حتی در شکل غیر قومی آن، تامین کننده دخالت مستقیم مردم این منطقه در اداره امور و سرنوشت خود نیست. اینها طبیعتاً اشکال و نوعی حاکمیت است که تضمین کننده حاکمیت طبقه سرمایه دار در نقاط مختلف جهان است. اعمال حاکمیت شوراهای خود مردم به عنوان قانونگذار و مجری قانون در کلیه سطوح جواب ما است. قاعدا در چنین حاکمیتی تسلیح عمومی زیر نظر شوراها، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، برابری زن و مرد، حقوق و آزادیهای فردی و مدنی و تامین زندگی انسانی برای کلیه شهروندان و.. به عنوان قوانین و حقوق اولیه شهروندان باید برسمیت شناخته شود.

ما فکر میکنیم هر نیرویی که بخواهد منافع اکثریت مردم این منطقه را تامین کند و بخواهد شکافهای کور قومی و مذهبی را از بین ببرد، میتواند این راه حل و این شکل حاکمیت را انتخاب کند. معیار ما برای دفاع و یا عدم دفاع از هر نوع حاکمیتی درجه تضمین و تامین و وفاداری به برسمیت شناختن حقوق شهروندان این منطقه است. بدون تردید چنین مسئله ای در هر گوشه و بخشی از سوریه اتفاق بیفتد، نه تنها مورد حمایت طبقه کارگر و مردم متمدن در جهان قرار میگیرد، بلکه مردم آواره و بی خانمان سوریه، کارگران و محرومان سوریه اولین مدافعان آن خواهند بود. بدون تردید امید و اعتماد به نفس، خوشبینی و حس همبستگی و همسرنوشتی در میان کل آنها تقویت خواهد شد و پنجره ای بر روی آنها در دنیای سیاه تحمیل شده باز خواهد شد.

در مورد نکات دیگری که طرح کردید از دفاع از نوع حاکمیت اعلام شده تا مخالفت با آن یکی دو نکته را بگویم. در دنیای واقعی در حال حاضر یکی از احزاب ناسیونالیست کرد در این منطقه دست بالا را دارد و در کل این دوره و در سناریوی سیاهی که اشاره شد نقش مثبتی در مقابله با داعش و ... داشته است. بخشی از احزاب مختلف از احزاب ناسیونالیست کرد تا ناسیونالیستهای چپ، از سر هم جنبشی بودن با این حزب، قدرتیگری آنها را به نفع خود میدانند، آنها را بخشی از جنبش خود به حساب میاورند و از قدرت گیری آنها احساس نیرو میکنند که امری واقعی است. بعضی ها نفس نقش مثبت احزاب ناسیونالیسم کرد و مشخصاً حزب اتحاد دموکراتیک و حتی پ ک ک در مقابله با داعش را دلیلی و یا توجیهی در دفاع از حاکمیت آنها میکنند. ما از این دسته نیستیم. نقش سفید حزب اتحاد دموکراتیک در سناریوی سیاه سوریه و مقابله قابل تقدیر آنها با داعش دلیلی نیست که آلترناتیو حکومتی این جریان هم مورد دفاع ما باشد. ما تنها در شرایطی از نوع حاکمیت خاصی از جمله در این مورد دفاع خواهیم کرد که حداقل حقوق اولیه شهروندان و دخالت و اعمال اراده مستقیم آنها در حاکمیت بر جامعه را برسمیت بشناسند. جریاناتی که از خود حاکمیت آنها و ... ➔ صفحه ۲

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب جمهوری اسلامی!

در حاشیه اسناد پاناما...

کسی از اینکه سران دولتها و نمایندگان پارلمانها که شغل شریفشان، البته بعد از دزدی، قطع مزایا اجتماعی، بالابردن هزینه زندگی مردم است، در راس این لیستها قرار دارند شوکه نشد. کثافت و گندی کاپیتالیسم مدتهاست برای بخش اعظم مردم دنیا روشن شده. چیزی که همه منتظر آن بودند لیست مقامات دولتی بود. کسانی که در قطع حقوق ابتدایی طبقه کارگر و مردم محروم، در قطع مزایای اجتماعی، در قطع داروی کودکان، در بالا بردن هزینه تحصیلی جوانان، در تعرض وحشیانه به زندگی اکثریت مردم کارکن جامعه به بهانه دروغین کمبود بودجه از همدیگر سبقت میگیرند و خود در کنار حقوقهای چند صد هزار پوندی و سرمایه گذاریهای کلان به دزدی و پول شویی در چنین ابعاد بزرگی مشغولند.

میدای نوکر که منبع درآمدش شغل "شریف" پخش اکاذیب و توجیه توحش حاکم است، در دل این افتضاح که فعلا گوشه ای از آن علنی شده، به کمک دزدان شتافت. درست زمانی که بشریت معترض منتظر علنی شدن لیست همه دزدان دولتی در دنیا است، صورت مسئله را تغییر دادند. در این یک هفته تبدیل این افشاگری به یک بازی کثیف سیاسی و نقش میدیا در هدایت و خفه کردن کل واقعیت است که بیشتر از خود خبر و افتضاح مالی توجه جامعه و مردم تشنه اطلاعات بیشتر را به خود جلب کرده. تغییر زیرکانه و رذیلاته صورت مسئله از دزدی روسای دولتی، از افتضاحی که پای بخش اعظم سران "جامعه جهانی" از روسای دولت تا نمایندگان مجلس و ژورنالیستها و صاحبان میدیا و روسای فیفا و را

در بر میگیرد، به یک کمپین سیاسی، کثافت و فساد میدیای غرب، نقش آن، نه بعنوان بنگاههای خبر رسانی، که بعنوان دستگاه تبلیغاتی دولتها، بعنوان بخشی از ارگانهای تبلیغاتی بورژوازی، بیشتر از خود دزدی سران دولتها مردم را شوکه و همزمان خشمگین کرده است. یک هفته از جنجال "اسناد پاناما" میگذرد و هنوز خبری از علنی شدن سایر روسای دولتی بخصوص در غرب نیست اما جنجال های سیاسی علیه "شیاطین" غیروپایی غوغا میکند.

فاصله زیادی بین افشاگری ویکی لیکس و افشاگری امروز میدیا حول اسناد پاناما هست. برخلاف ویکی لیکس که همه اسناد را بدون هیچ فیلتری و هیچ مصلحت سیاسی علنی کرد، "ژورنالیسم متعهد" غربی، نامی که ژورنالیسم نوکر و دولتی برخورد گذاشته است، منتخب و دستچینی از اسامی روسای دول و ورزشکار و هنرمند و ... را علنی کرد.

علیرغم اینکه در گزارشات تا بحال منتشر شده نامی از شخص پوتین نیست، صفحه اول گاردین همان روز اول اسناد سوءاستفاده مالی پاناما را با عکس پوتین در صفحه اول خود منتشر کرد و دست بر قضا تا چند روز نامی از نخست وزیر مملکت (دیوید کامرون) و پدرش که در لیست است، نمی برد. بعد از گذشت یک هفته و علنی کردن اسامی ۱۵ نفر و علیرغم اینکه طبق گزارش خود این میدیا تمرکز اصلی (بیش از ۸۰ درصد) شرکتها و روسای دولتی در لیست اسناد پاناما، در اروپا است، هنوز نشانی از علنی کردن سایر روسای دول غربی، روسای میدیا و نمایندگان مجلس ها، شاهزاده ها و نیست و هنوز اسامی پوتین، ماکری، شوهرخواهر رئیس جمهور چین و فرزندان حسنی مبارک و پسردایی های بشار اسد را

برجسته میکنند.

ظاهرا استعفا رئیس جمهوری ایسلند بعد از ۴۸ ساعت کل عواقب افشا اسناد پاناما برای دول غربی است. قربانی کردن یکی از ضعیفترین حلقه ها برای نجات کل سیستم و حاکمیت در غرب کمپین مشترک دول غربی و دستگاه های تبلیغاتی آنها و "ژورنالیستها متعهد" و "شرافتمند" است. یکی از بزرگترین پرونده های افشاگری به کمپین سیاسی دول و میدیای غرب علیه رقبای غرب، روسیه، چین، کره، سوریه و دوستان ناباب امروز مانند عربستان تبدیل شد.

زمانیکه مردم از محاکمه ۱۴ هزار دزد که میلیاردها دلار پول را مفت بالا کشیدند حرف میزنند. زمانیکه مردم بریتانیا خواهان استعفا نخست وزیر دزد میشوند، زمانیکه مردم از بازی کثیف دولتها در تعرض به سطح معیشت زندگی شان و تحمیل ریاضت اقتصادی، از پائین آوردن سطح زندگی شان توسط دزدهای دولتی، عصبانی به خیابانها می آیند. زمانیکه مردم از اینکه با این چند میلیارد دلار پول چه میشد کرد، چند میلیون کودک در سراسر دنیا زندگی بهتری داشتند، فساد سیستم و در راس آن دولتها و مقامات دولتی و مهمتر اینکه "بعد از این جنجال میدیایی چه" و "بالاخره چه باید کرد" حرف میزنند، "ژورنالیسم متعهد"، بازی اینکه آیا این پولشویی است یا نه، آیا اینکار قانونی است و ... را دامن زده اند.

قرار است مسئله در سطح یک جنجال خبری و کمپینی علیه "شیاطین غیر غربی" باقی بماند. قرار است حداکثر تا یکماه دیگر سرتوته این جاروجنجال خبری را هم بیاورند و اسم اسناد پاناما و شرکت موساک فونسکا با پادشاه عربستان و پوتین و فامیلهای رئیس جمهوری قبلی کره جنوبی و و حداکثر

با استعفا رئیس جمهور ایسلند تداعی شود. قرار است کامرون به جای دزد، قهرمان علنی کردن پرونده مالی خود در تاریخ بریتانیا شود و مردم بریتانیا تا ابد او را برای این قهرمانی و خلوص نیت تقدیس کنند. قرار است مردم مستاصل از غارت شدن، دروغ شنیدن، کلک خوردن از دولتها را در اوج بی آلترناتیوی، وادار به زانو زدن در مقابل همین دزدان و قاتلان و شارلاتانها کرد. این همه نقش میدیای نوکر و دستگاه تبلیغاتی و "ژورنالیسم متعهد" است. اسناد پاناما تنها دریچه کوچکی به حقایق به مراتب عمیقتر، دهشناکتر، ضدانسانی تر از دنیای سرمایه است. اسناد پاناما کثافت دنیایی که مشتی دزد حرفه ای، جنایتکار و انگل مفتخور اکثریت آنرا زیر فشار فقر و جنگ خفه کرده اند، را با همه بازیگران آن و منجمله میدیای رسمی و "ژورنالیسم متعهد" در مقابل دنیا قرار داد.

**"شور رفا، آزادی
و امنیت مردم
ایران"
را دست گیرید!**

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

سازمان حزب حکمتیست

حزب حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!